

داوری

بررسی داورى به عنوان یکی از روش های حل اختلاف

مدرس دوره:

حمید رحمانی احمدآباد

مشاور حقوقی

مؤلف و مدرس دانشگاه

[استفاده از مطالب این نوشتار با ذکر منبع بلامانع است]

هوا الحق

بهترین داور خداست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَإِنْ كَانَ طَائِفَةٌ مِنْكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ
يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا ۖ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ

(الأعراف آية ۸۷)

و اگر گروهی از شما به آنچه من به آن فرستاده شده‌ام ایمان آورده‌اند، و گروهی ایمان نیاورده‌اند،
صبر کنید تا خداوند میان ما داوری کند،
که او بهترین داوران است!

فهرست مطالب

تعریف داوری

مزایا و معایب داوری

اول- مزایای داوری

۱- ارادی بودن و اختیاری بودن داوری

۲- سرعت در رسیدگی

۳- تخصصی شدن رسیدگی ها

۴- محرمانگی در رسیدگی ها

۵- کاهش هزینه ها

۶- تک مرحله‌ای بودن رسیدگی

۷- سهولت اجرای رای داور

۸- انتخابی بودن داوران

دوم- معایب داوری

۱- عدم قابلیت رسیدگی نسبت به بعضی از دعاوی

۲- محدودیت زمانی

۳- امکان تبانی داور با دادخوانده

۴- امکان شکایت و اعتراض نسبت به رای داور

۵- تحمیل هزینه اولیه به دادخوانده

۶- ضعف در اجرا

۷- مشکلات ابلاغ اوراق و اختطاریه ها

۸- ضعف ابزارهای نظارتی و پایش انتظامی

۹- تابعیت داوران

۱۰- زبان و محل داوری

۱۱- عدم تسلط محاکم و وکلای بر قواعد و مقررات داوری

اقسام داوری

اول- داوری موردی و سازمانی

۱- مزایای داوری سازمانی نسبت به داوری موردی

۲- عیوب داوری سازمانی نسبت به موردی

دوم- داوری بین المللی، داوری داخلی و داوری خارجی

۱- داوری بین المللی

۲- داوری داخلی

۳- داوری خارجی

سوم- داوری اختیاری و اجباری

۱- داوری اختیاری

۲- داوری اجباری

چهارم- داوری هیئتی و داوری واحد

۱- داوری واحد

۲- داوری هیئتی

نصب داور

- ۱- نصب داور توسط طرفین
- ۲- نصب داور توسط دادگاه
- ۳- نصب داور توسط قانونگذار

موافقتنامه داوری

- ۱- محتوای موافقتنامه داوری
- ۲- صریح یا ضمنی بودن موافقتنامه داوری
- ۳- لزوم رعایت شرایط صحت معاملات در موافقتنامه داوری
- ۴- موافقتنامه داوری در معنای اعم و اخص آن

شرط داوری

رابطه عقد پایه با شرط داوری یا اصطلاحاً قاعده تبعیت شرط از عقد

آثار موافقت نامه داوری

- اول- آثار ایجابی
- دوم- آثار سلبی
- ۱- سلب صلاحیت از محاکم دادگستری
- ۲- محرومیت اطراف قرارداد داوری از پاره ای حقوق

اعتبار موافقتنامه داوری

مقایسه موافقت نامه داوری با چند اصطلاح مشابه

- اول- قرارنامه داوری
- دوم- درخواست داوری
- سوم- قرارداد تعیین هزینه های داوری

اصول و قواعد حاکم بر داوری

- اول- اصل توافقی بودن داوری
- دوم- اصل رسیدگی تناظری
- سوم- قاعده اکثریت
- چهارم- قاعده استقلال و بی طرفی
- پنجم- اصل نسبی بودن داوری
- ششم- قاعده فراق داور

رای داوری

- اول- محتویات رای داور
- دوم- اقسام رای داور
- ۱- قرار
- ۲- حکم
- ۳- گزارش اصلاحی

ابلاغ رای داوری

اعتراض به رای داوری

اول- اعتراض از طرق فوق العاده

دوم- اعتراض از طریق ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی

سوم- رد رای داور توسط طرفین

هزینه های داوری

اول- تسهیم هزینه ها میان طرفین دعوی

دوم- تسهیم هزینه ها میان داوران

اجرای رای داوری

تعریف داوری

در مقررات قانون آیین دادرسی مدنی تعریفی از داوری نداریم اما در بند الف ماده ۱ قانون داوری تجاری بین المللی، داوری به عنوان یکی از شیوه های حل اختلاف چنین تعریف شده است: «داوری عبارت است از رفع اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی الطرفین و یا انتصابی» که مورد نقد تعدادی از حقوقدانان قرار گرفته است. به اعتقاد برخی از علمای حقوق تجارت این تعریف شامل تعدادی از دیگر روش های حل اختلاف همچون میانجیگری و سازش و... نیز می شود که برای رفع آن، مرضی الطرفین یا انتسابی بودن داوران را به عنوان مهمترین وجه افتراق داوری از این روش ها بیان می کنند حال آنکه به نظر می رسد مهمترین وجه ممیزه داوری از دیگر طرق مشابه «قطعیت آراء داوری» باشد.

نکته- در میانجیگری برخلاف داوری، میانجیگر بدون اینکه رایی صادر نماید با طرفین صحبت کرده و راه حل ارائه می کند و از طرفین می خواهد به او احترام بگذارند و نظر او را بپذیرد.

مزایا و معایب داوری

در این بخش در خصوص مزایا و معایب وارد بر داوری سخن خواهیم گفت.

اول- مزایای داوری

هشت مزیت برای داوری برشمرده شده است:

۱- ارادی بودن و اختیاری بودن

داوری روش حل اختلافی توافقی است که تمسک به آن حکایت از تعاون و همکاری طرفین داوری داشته و موجب می گردد در مرحله رسیدگی، اطراف اختلاف از اقدامات ناصوابی همچون مواردی که باعث اطلاع دادرسی می گردد خودداری نموده و نهایت همکاری را با داور در ارائه اسناد و مواردی از این قبیل داشته باشند، ضمن اینکه در اجرای رای داوری نیز همکاری بیشتری بین طرفین وجود دارد.

۲- سرعت در رسیدگی

در داوری برخلاف محاکم قضایی عموماً تا زمانی که رسیدگی به پرونده توسط داور خاتمه پیدا نکرده، به پرونده دیگری رسیدگی نخواهد شد که این امر باعث سرعت در رسیدگی داور نسبت به محاکم می شود.

۳- تخصصی شدن رسیدگی ها

برخلاف محاکم، در داوری تعیین داور انتخابی است و می توان داوری را انتخاب کرد که در زمینه مربوطه به اختلاف متخصص باشد مثلاً چنانچه اختلاف در زمینه حمل و نقل باشد، می توان از اساتید مرتبط با مباحث حمل و نقل که تسلط کافی بر مقررات و بخشنامه های مربوطه دارند استفاده نمود.

۴- محرمانگی در رسیدگی ها

محرمانگی در رسیدگی ها عموماً در محاکم رعایت نمی شود، ضمن اینکه اصل بر رسیدگی علنی در دادگاه ها است، اما در داوری محرمانگی به صورت کامل وجود دارد که در دعاوی تجاری با توجه به اهمیت اعتبار تاجر در بازار بسیار حیاتی است، به طور مثال در شرکت های تجاری که سهام آنها در بازار بورس مورد معامله واقع می شود، چنانچه اطلاعات مربوطه به پرونده بدهی مالی شرکت در بازار مطرح شود، بطور قطع موجب سقوط سهام آن شرکت خواهد شد.

۵- کاهش هزینه ها

کم هزینه بودن داوری از دیگر مزایای آن نسبت به رسیدگی در محاکم دادگستری است مثلاً چنانچه اختلافی میان دو شرکت خودروسازی هزار میلیارد تومان باشد هزینه بالایی را جهت رسیدگی در محاکم می طلبد در حالی که اگر این اختلاف در داوری مطرح شود، با هزینه بسیار کمتری قابل رسیدگی است زیرا:

اولاً- هزینه رسیدگی در داوری توافقی است و حتی می توان به کمتر از آنچه در آیین نامه مصوب رئیس قوه قضائیه آمده است نیز توافق نمود.

ثانیاً- داوری انعطاف پذیر و غیرتشریفاتی است به این معنا که در یک دعوای مالی سنگین بیست میلیارد تومانی در دادگستری، اگر خواهان به اشتباه در خارج از مهلت رفع نقص نماید، دادرخواست وی رد خواهد شد در صورتی که در داوری این اتفاقات عموماً وجود نداشته و داور انعطاف نشان خواهد داد.

ثالثاً- رسیدگی در داوری یک مرحله ای است چراکه می دانیم آراء داوری قطعی و لازم الاجرا است مگر در موارد استثنایی، به همین جهت هم هزینه های مربوطه به اعتراض به آراء در داوری مطرح نیست.

رابعاً- غیرتشریفاتی است با این توضیح که در داوری حتی با استفاده از یک ورقه عادی نیز می توان وکیل خود را معرفی نمود بدون اینکه نیازی به وکالت رسمی باشد.

۶- تک مرحله ای بودن رسیدگی

آراء داوری عموماً قطعی، لازم الاجرا و غیرقابل تجدید نظر است اگرچه در صورت وجود شرایطی خاص قابلیت اعتراض از طرق فوق العاده و نیز درخواست اعلام بطلان آن وجود دارد.

۷- سهولت اجرای رای داور

به عنوان مثال در داوری های بین المللی، اگر دعوی میان کشورهایایی که عضو کنوانسیون نیویورک هستند مطرح باشد، وقتی داوری صورت می گیرد و به نفع یکی از اعضای مزبور رای صادر می شود، محکوم علیه چنانچه در هر کدام از کشورهای عضو کنوانسیون، دارای مالی باشد این اموال می تواند توسط دادبرده مورد توقیف قرار گرفته و نسبت به وصول محکوم به اقدام گردد.

۸- انتخابی بودن داوران

انتخابی بودن اشخاص رسیدگی کننده در داوری سبب پذیرش راحت تر آراء صادره توسط طرفین اختلاف و عدم مقاومت آنان در اجرای رای می شود.

دوم- معایب داوری

معایبی نیز برای داوری ذکر شده است که این ایرادات عموماً ناشی از بی توجهی و عدم اطلاع کافی اطراف اختلاف از مقررات حاکم بر داوری نشات می گیرد و لذا قابل رفع است.

۱- عدم قابلیت رسیدگی نسبت به بعضی از دعاوی

همه دعاوی قابل ارجاع به داوری نیست مثلاً دعاوی که یک طرف آن حاکمیت باشد، بر اساس اصل ۱۳۹ قانون اساسی برای ارجاع به داوری محدودیت داشته و رسیدگی به آن در داوری تحت شرایطی امکان پذیر است همین طور در خصوص بعضی از دعاوی مانند طلاق و ورشکستگی که اصولاً امکان ارجاع آن به داوری نیست.

۲- محدودیت زمانی

در قانون آیین دادرسی مدنی برخلاف قانون داوری تجاری بین المللی محدودیت زمانی برای رسیدگی در داوری وجود دارد و چنانچه طرفین اختلاف در مورد مدت داوری تعیین تکلیف ننموده باشند، داور بایستی ظرف مهلت قانونی مربوطه نسبت به موضوع تعیین تکلیف نموده و رای صادر کند در غیر این صورت ممکن است رای صادره پس از طرح موضوع در مراجع قضایی توسط دادگاه مورد ابطال واقع شود.

۳- امکان تبانی داور با خوانده

مثلاً چنانچه داور با خوانده تبانی کرده و در مهلت رای ندهد ممکن است منافع دادخواه مورد تضییع قرار گیرد آنهم در وضعیتی که به جهت عدم وجود ناظر قانونی بر داوران، امکان بروز چنین مواردی در مقایسه با محاکم در داوری بیشتر است.

۴- امکان شکایت و اعتراض نسبت به رای داور

اگرچه عموماً آراء داوری قطعی و لازم الاجراست ولی در مواردی که یکی از اسباب هفتگانه ابطال رای موضوع قانون آیین دادرسی مدنی فراهم گردد، می توان ابطال رای داور را درخواست نمود که در این صورت:

اولاً- پرداخت هزینه مضاعف بر طرفین تحمیل می کند چراکه هم هزینه های مربوط به داوری را پرداخت نموده اند و هم بایستی هزینه های مرتبط با رسیدگی به اعتراض در مراجع قضایی را متقبل شوند.

ثانیاً- باعث اتلاف وقت بیشتر آنان خواهد شد چرا که علاوه بر داوری بایستی موضوع را در مرجع قضایی نیز پیگیری کنند.

ثالثاً- اجرای رای داور را به تاخیر می اندازد.

۵- تحمیل هزینه اولیه به دادخوانده

داوری مستلزم تحمیل هزینه اولیه رسیدگی به دادخوانده است زیرا برابر مقررات قانون آیین دادرسی مدنی، در داوری اصل بر طرفینی بودن پرداخت هزینه ها است به این معنا که در ابتدای داوری دادخواه و دادخوانده بایستی مشترکاً و بالمناصفه هزینه داوری را پرداخت نمایند.

۶- ضعف در اجراء

به این معنا که در اجرای داورى حداقل بر اساس رویه موجود محاکم، ضعف‌هایی وجود دارد و در اجرای آرای داورى امکان استفاده از ظرفیت های قانونی همچون ظرفیت موجود در قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی برای دادبرده وجود ندارد.

۷- مشکلات ابلاغ اوراق و اخطاریه ها

در داورى بر خلاف محاکم سیستم ابلاغ خاصی نداریم به همین جهت هم اصولاً رای غیابی نخواهیم داشت و از این حیث موضوع واخواهی از آراء غیابی منتفی است.

۸- ضعف ابزارهای نظارتی و پایش انتظامی

چنانچه قاضی تخلفی نماید برای تخلفات وی ضمانت اجرای جزایی و مسئولیت مدنی در نظر گرفته شده است ضمن اینکه از طریق نظارت انتظامی و انضباطی نیز می توان از او شکایت نمود، در صورتی که در مورد تخلفات داور فقط می توان از قواعد عام مسئولیت مدنی بهره برد اگرچه در داورى های سازمانی این عیب کمتر دیده می شود چراکه در این شکل از داورى عموماً نظارت انضباطی و سازمانی وجود دارد.

۹- تابعیت داوران

بحث تابعیت داوران در داورى های تجاری بین المللی مطرح است با این توضیح که مطابق مقررات قانون آیین دادرسی مدنی، برای اتباع ایران امکان انتخاب داور هم تابعیت با طرف مقابل شان در قراردادی منعقد با اتباع بیگانه وجود ندارد.

۱۰- زبان و محل داورى

اگر طرف تبعه ایرانی شخصی خارجی باشد و به حکمیت داور ایرانی رضایت دهد، این اشکال مطرح می گردد که اکثر داوران ایرانی مشکل تسلط بر زبان های دیگر کشورها را دارند. همچنین در مورد محل داورى که بطور مثال ممکن است داورى با تعدادی داور سوئیسی باشد و جلسه ای را در ایران برگزار کنند و برگزاری جلسه بعدی را موکول به رسیدگی در سوئیس نمایند، و از این جهت هزینه مضاعفی را بر اطراف اختلاف تحمیل نمایند.

۱۱- عدم تسلط محاکم و وکلاء بر قواعد و مقررات داورى

عدم تسلط محاکم و وکلایی که پرونده های داورى را بر عهده دارند موجب می شود اعتراض به آرای داورى سریعاً مورد رد یا قبول واقع گردد بدون اینکه توجیه قانونی برای آن وجود داشته باشد.

ضمن اینکه متأسفانه داوران نیز علی الخصوص در داورى های موردی بعضاً به این قواعد اشراف کاملی ندارند و حتی گاهاً دیده شده داور نظر کارشناس را به عنوان رای به اجرای دادگستری ارسال و همان نظریه به عنوان رای تلقی و مورد اجرا قرار گرفته است.

اقسام داورى

در خصوص داورى تقسیم بندی های مختلفی وجود دارد.

اول- داوری موردی و سازمانی

منظور از داوری موردی فرضی است که داوری به شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی اگرچه ناصب هم باشد به صورت اتفاقی و به اصطلاح موردی به وی ارجاع شود، حال آنکه در داوری سازمانی، سازمان اگرچه در مقام ناصب هم باشد، محیای امر داوری است.

بنابراین داوری موردی متفاوت از داوری سازمانی یا نهادی است زیرا:

اولاً- در داوری موردی، داوری را که انتخاب می‌کنیم خودش را برای داوری دائمی آماده نکرده است بلکه به پیشنهاد ما قبول داوری می‌نماید در حالی که در داوری سازمانی، داور شخصی حقوقی است که مأموریت اصلی و سازمانی او داوری است و فهرست داوران و قواعد شکلی خاص خود را داشته و به عنوان یک نهاد دائمی مطرح است.

ثانیاً- در داوری سازمانی بر خلاف داوری موردی معمولاً هزینه اداری نیز مطالبه می‌شود.

ثالثاً- در داوری های سازمانی، خود سازمان راساً داوری نمی‌کند بلکه به عنوان مقام ناصب، نسبت به تعیین داورانی از لیست داوری خود اقدام می‌کند و کارهایی از قبیل تبادل لوایح، گرفتن هزینه ها و مواردی از این قبیل را انجام می‌دهد.

نکته- مقام ناصب همیشه شخص حقوقی نیست بلکه می‌توان در قرارداد داوری یا شرط داوری شخص حقیقی را نیز به عنوان مقام ناصب تعیین نمود که در اینجا، داوری از نوع داوری موردی می‌باشد.

رابعاً- در داوری سازمانی پس از مرحله نصب داور نیز، سازمان به کار خود ادامه می‌دهد و چنان که بیان شد مواردی از قبیل تبادل لوایح، ابلاغ رای و... از ناحیه سازمان مورد پیگیری قرار می‌گیرد در حالی که در داوری موردی در صورتی که شخص تعیین شده مقام ناصب باشد، مأموریت وی با نصب داور تمام می‌شود.

۱- مزایای داوری سازمانی نسبت به داوری موردی

داوری سازمانی در مقایسه با داوری موردی دارای مزیت و برتری است چراکه:

اولاً- به دلیل تکرار فرآیند داوری، داور سازمانی داوری تخصصی است.

ثانیاً- نهادی دائمی است که پرونده ها و اسناد مربوط به داوری حفظ می‌شود و در صورت ضرورت می‌تواند به مراجعی همانند دادگاه ها ارائه شود.

ثالثاً- دارای قواعد شکلی مختص به خود است.

رابعاً- دارای نظام ابلاغ است و از این جهت می‌توان ادعا نمود، رسیدگی در داوری سازمانی

به مراتب سریعتر از داوری موردی است.

خامساً- در داورى سازمانى افرادى غير از داوران هم در اين نهادها وجود دارند كه وظيفه نظارت بر فرآيند رسيدگى و رعايت قوانين و همچنين بازنگرى در آراء داورى و ممانعت از خطاهائى فاحش در صدور راي داورى و همين طور نظارت انتظامى بر داوران را برعهده دارند.

سادساً- در داورى سازمانى تسهيلاىى براى اجراى راي وجود دارد كه در داورى موردى مطرح نيست.

سابعاً- در بعضى از اين نهادها امكان نظارت انضباطى نيز بر اطراف اختلاف وجود دارد مثلاً اگر طرف مقابل يا دادخوانده حق الزحمه داور را پرداخت نكند چنانچه بطور مثال داور، مركز داورى اتاق بازرگانى باشد مى تواند كارت بازرگانى او را باطل كند.

۲- عيوب داورى سازمانى نسبت به موردى

مهمترين عيب داورى سازمانى نسبت به داورى موردى، پرداخت هزينه مضاعف از ناحيه اطراف اختلاف است چراكه در اين نوع از داورى، طرفين دعوى علاوه بر هزينه داورى بايستى هزينه هاى ادارى سازمان را نيز پرداخت نمايند.

دوم- داورى بين المللى، داورى داخلى و داورى خارجى

داورى با توجه به تابعيت اطراف قرارداد و لحاظ برخى شرايط ديگر به اقسام ذيل تقسيم مى شود.

۱- داورى بين المللى

بر اساس بند ب ماده ۱ قانون داورى تجارى بين المللى، داورى بين المللى عبارت از داورى هاىى است كه يكى از طرفين اختلاف در زمان انعقاد موافقتنامه داورى به موجب قوانين ايران تبعه ايران نباشد.

۲- داورى داخلى

داورى داخلى، داورى است كه بين المللى نباشد (داورى ميان دو تبعه ايران).

۳- داورى خارجى

منظور از داورى خارجى، داورى هاىى است كه در ايران انجام نشده و تحت شمول قانون داورى تجارى بين المللى نيز نيست زيرا داورى اصلاً در ايران انجام نشده است كه قانون داورى تجارى بين المللى بر آن حاكم باشد و بتوان گفت داورى بين المللى است.

در اين قسم از داورى، داورى در يك كشور ديگر انجام شده است و به همين دليل با يك راي داورى خارجى روبرو هستيم (در داورى خارجى، فقط بايستى به استناد كنوانسيون نيويورك بدنبال اجراى راي بود در حالى كه اجراى آراى داورى بين المللى بر اساس قانون اجراى احكام مدنى است و...).

سوم- داوری اختیاری و اجباری

همچنین از دیدگاهی دیگر، داوری به اختیاری و اجباری تقسیم می شود.

۱- داوری اختیاری

بر اساس ماده ۴۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی، کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا را دارند می توانند با تراضی یکدیگر منازعه یا اختلاف خود را خواه در دادگاه مطرح شده یا نشده باشد و در هر مرحله ای از رسیدگی قضایی که باشد، به داوری ارجاع دهند با این توضیح که می توانند، خودشان راساً و قبل از طرح اختلاف یا بعد از بروز آن داوران را تعیین کنند یا بر تعیین مقام ناصب توافق کنند و یا اینکه صرفاً به پذیرفتن اصل رسیدگی در مرجع داوری تراضی نمایند.

پس اصل بر داوری اختیاری است.

۲- داوری اجباری

مواردی وجود دارد که طرفین اختلاف به هیچ وجه تمایلی به رجوع به داوری ندارند اما بر اساس مقررات قانونی برای حل اختلافات خود به اجبار به داوری ارجاع داده می شوند مانند داوری موضوع مواد ۳۶ و ۳۷ قانون اوراق بهادار و همین طور داوری اجباری موضوع قوانین مرتبط با پیش فروش ساختمان، بیمه مرکزی ایران و فدراسیون ها

چهارم- داوری هیئتی و داوری واحد

از دیگر اقسام داوری تقسیم آن به داوری واحد و هیئتی است اگرچه تعریف روشنی در این خصوص ارائه نشده است.

۱- داوری واحد

داوری واحد، داوری است که برای رسیدگی از یک داور استفاده شده باشد.

۲- داوری هیئتی

داوری هیئتی برخلاف داوری واحد، زمانی مطرح می گردد که تعداد داوران از یک داور بیشتر است و عموماً در این گونه موارد تعداد داوران به صورت فرد و سه نفر می باشد.

با این توضیح که در قانون تصریح شده است، در صورتی که طرفین در مورد تعداد داوران توافق ننمایند، دادخواه یک داور، دادخوانده یک داور و داور سوم هم با تراضی طرفین به عنوان سرداور تعیین خواهد شد، در حالی که این ترکیب در داوری های بین المللی به وسیله داورهای اختصاصی کامل می شود.

نکته- تعیین نوع داوری از حیث داوری واحد یا هیئتی، منوط به نظر طرفین قرارداد داوری است.

نصب داور

نصب داور می تواند به سه شکل صورت گیرد:

۱- نصب داور توسط طرفین

نصب داور توسط طرفین اختلاف می‌تواند صریح یا ضمنی باشد (نصب ضمنی، مستلزم آن است که ارجاع داوری به شخص حقوقی را به منزله آن بدانیم که نصب داور را هم توسط او قبول کرده‌ایم) و در شق صریح آن می‌تواند قبل از بروز اختلاف و بعد از بروز اختلاف صورت گیرد.

۲- نصب داور توسط دادگاه

نصب داور توسط دادگاه که می‌تواند قبل از رسیدگی قضایی و در حین رسیدگی قضایی صورت گیرد.

توضیح اینکه در مواردی که شرط داوری بین طرفین اختلاف وجود دارد بدون اینکه تعیین داور شده باشد، دادگاه با درخواست هر یک از طرفین و با رعایت تشریفات رسیدگی و اصل تناظر نسبت به تعیین داور اقدام خواهد نمود.

۳- نصب داور توسط قانونگذار

نصب داور توسط مقنن محدود به مواردی است که با داوری اجباری مواجه هستیم.

موافقتنامه داوری

بدیهی است که موافقتنامه داوری نیز مانند هر قرارداد دیگری بایستی شرایط قانونی لازم را برای صحت معامله داشته باشد اما چه مواردی لزوماً باید در این موافقتنامه لحاظ شود با این توضیح که اولاً در این خصوص هیچ‌گونه محدودیتی وجود ندارد و در ثانی این که در این مورد حداقل‌هایی از حیث قانونی مطرح است که شامل موضوع داوری و اصل پذیرش داوری است.

۱- محتوای موافقتنامه داوری

در داوری اصل اولیه تراضی طرفین است، اعم از توافقاتی که برای صحت قرارداد داوری ضروری است و اعم از موضوع داوری و عدول از مراجعه به دادگستری و اصل مراجعه به داوری که این دو را بایستی رکن رکین موافقتنامه داوری دانست و لزوماً باید در تمامی موافقتنامه های داوری بجز داوری‌های اجباری لحاظ گردد.

همچنین مواردی همچون توافق بر فرآیند داوری، نحوه ابلاغ انشاء، زبان داوری، مکان داوری، اوصاف داور و... که برای صحت قرارداد الزامی نیست اگرچه توصیه بر آن است که حتماً در خصوص این موارد نیز با ذکر جزئیات توافقات لازم صورت گیرد تا بتوان هرچه بیشتر معایب مطروحه در خصوص داوری را در این چارچوب پوشش داد.

۲- صریح یا ضمنی بودن موافقتنامه داوری

موافقتنامه داوری می‌تواند صریح یا ضمنی باشد.

در مواقعی که در خصوص داوری مبادله نامه ای وجود داشته یا وجود سوابقی از طریق وسایل ارتباطی همچون فکس و... حکایت از موافقت طرفین بر این امر داشته و همچنین در مواردی که

قراردادی ممضی به امضاء طرفین مستند دادخواه بوده و یا پس از طرح ادعای وی دادخوانده رسیدگی در داوری را قبول نماید، با موافقتنامه صریح مواجه هستیم.

اما در موردی که به قول یا فعل طرفین استناد شده و یا در قرارداد اصلی به سندی ارجاع داده شده که جزء لاینفک قرارداد بوده و در مفاد آن شرط داوری وجود داشته که طرفین بدون اینکه اطلاعی از آن داشته باشند قرارداد را منعقد نموده باشند (مانند شرایط عمومی پیمان) موافقتنامه داوری ضمنی است.

۳- لزوم رعایت شرایط صحت معاملات در موافقتنامه داوری

موافقتنامه داوری نیز در معنای اعم کلمه قرارداد است و رعایت شرایط صحت عقد مطابق آنچه در ماده ۱۹۰ قانون مدنی آمده است، بایستی در آن وجود داشته باشد.

۴- موافقتنامه داوری در معنای اعم و اخص آن

وقتی از موافقتنامه داوری صحبت می کنیم دو معنا متصور است:

موافقتنامه داوری در معنای اعم که شامل موافقتنامه داوری مستقل و شرط داوری است و موافقتنامه داوری مستقل که می تواند در رابطه با ضمانات عقدی (موافقتنامه در معنای اخص خود) یا ضمانات قهری (قرارنامه داوری) باشد و در رابطه با مورد اخیر از آن به قرارنامه داوری یاد می شود. پس موافقتنامه داوری در معنای اخص خود صرفاً شامل موافقتنامه مستقل داوری است که می تواند قبل از بروز اختلاف یا بعد از آن منعقد گردد.

نکته- شرط داوری در خصوص توافقاتی که بعد از بروز اختلاف صورت می گیرد جایگاهی نداشته و چنین توافقاتی صرفاً به صورت موافقتنامه مستقل متصور است.

شرط داوری

شرط داوری اختصاص به روابط قراردادی دارد یعنی در جایی می تواند مطرح گردد که قرارداد پایه ای بین دو شخص با موضوعی علیحده وجود دارد و در مفاد آن شرط داوری هم به عنوان شرط ضمن عقد گنجانده شده است.

این شرط فقط مربوط به ضمانات عقدی است و ارتباطی با ضمانت قهری ندارد.

شرط داوری نیز همانند قرارداد مستقل داوری می تواند صریح یا ضمنی باشد.

شرط داوری فقط می تواند مربوطه به قبل از بروز اختلافات طرفین باشد و در رابطه با

اختلافات بعدی معنایی ندارد.

رابطه عقد پایه با شرط داوری یا اصطلاحاً قاعده تبعیت شرط از عقد

اعتقاد بر این است که شرط ضمن عقد از جهات مختلف تابع عقد پایه است و بطور مثال اگر

عقد پایه لازم است، شرط هم لازم است یا چنانچه عقد پایه از بین رفت شرط هم از بین می رود، اما

آیا چنین بحثی در خصوص شرط داوری نیز صادق و صحیح است:

سوال ۱- آیا در داوری نیز شرط از هر جهت از عقد تبعیت می‌کند؟

به نظر می‌رسد اینکه بگوییم شرط داوری از حیث لوازم اعم از لزوم و جواز و... تابعی است از عقد پایه صحیح نیست چراکه عقد جایز نیز اگرچه قابلیت بهم خوردن را دارد ولی تا زمانی که هست شروط ضمن آن نیز لازم الوفا است زیرا عقد پایه هنوز وجود دارد و اینکه می‌شود عقد پایه را بهم زد و به تبع آن شرکت هم متأثر از آن خواهد بود و این امر به معنای جواز شرط نیست.

سوال ۲- چنانچه عقد پایه به اصطلاح بهم بخورد و ادعای انحلال و یا بطلان آن مطرح شود آیا شرط داوری هنوز پابرجا است یا قاعده تبعیت شرط از عقد اینجا همه رعایت و اعمال می‌شود؟ در این مورد اگر ماده ۱۶ قانون داوری تجاری بین المللی را که مقدم بر قانون آیین دادرسی مدنی پذیرفته باشیم می‌توان ادعا نمود که شرط داوری می‌تواند مستقل از رابطه پایه به حیات خود ادامه دهد، تئوری که اگرچه در داوری های داخلی مستند صریحی برای آن نیست اما ایرادی هم بر آن نمی‌توان وارد نمود چراکه اگر ایرادی داشت در قانون ما با این نظمی که دارد نمی‌توانست ورود کند (به اعتقاد برخی از حقوقدانان ماده ۴۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی یکی از مبانی مهم در رد تئوری استقلال شرط داوری است)

نکته- در داوری های داخلی اگر طرفین صریحاً و یا حتی ضمناً اراده شان نشانگر این امر باشد که در کنار یک عقد پایه شرط داوری را هم خواسته و در شرط داوری شان هم نظر بر این داشته باشند که حتی رسیدگی به بطلان و بی اعتباری عقد پایه را نیز در مرجع داوری مطرح نمایند در این مورد بایستی حتی رسیدگی به اعتبار قرارداد پایه را نیز در صلاحیت داوران بدانیم و با چنین توافقی هیچ گونه ایرادی نمی‌توان بر فرض استقلال شرط از عقد وارد نمود.

آثار موافقت نامه داوری

وقتی صحبت از آثار موافقتنامه داوری می‌کنیم منظور آثار ایجابی و آثار سلبی این موافقت

نامه است:

اول- آثار ایجابی

منظور از آثار ایجابی موافقتنامه داوری این است که با تنظیم موافقتنامه داوری در معنای اعم آن، برای مرجع داوری و همین طور برای داور ایجاد صلاحیت می‌شود.

دوم- آثار سلبی

آثار سلبی موافقت نامه داوری به شرح ذیل است.

۱- سلب صلاحیت از محاکم دادگستری

در صورت حصول موافقتنامه داوری بین طرفین (حصول موافقتنامه چراکه ممکن است امضاء شده و یا نشده باشد و یا اینکه کتبی باشد یا نباشد)، چنانچه علی‌رغم وجود موافقتنامه، موضوع به

محکمه ارجاع شود، دادگاه در این مورد نمی تواند رسیدگی و حکم صادر کند و با صدور قرار عدم استماع دعوا یا قرار رد دعوا دعوی مطروحه را رد خواهد کرد.

نکته- در این مورد امکان صدور قرار عدم صلاحیت نیست زیرا قرار عدم صلاحیت در خصوص مواردی است که بین مراجع قضایی و مراجع غیرقضایی اختلاف در صلاحیت بروز کند.

۲- محرومیت اطراف قرارداد داوری از پاره ای حقوق

این محرومیت ها که عموماً بین محاکم اختلافی است، شامل موارد ذیل می گردد.

۲-۱- عدم امکان درخواست دستور موقت و تامین خواسته برای طرفین

به این معنا که در داوری برخلاف محاکم، موضوعی تحت عنوان درخواست دستور موقت و تامین خواسته وجود ندارد.

۲-۲- عدم امکان تقویم خواسته توسط دادخواه

در داوری برخلاف محاکم دادگستری، پرداخت هزینه رسیدگی بایستی بر مبنای قیمت واقعی مورد خواسته صورت گیرد و چیزی تحت عنوان تقویم خواسته مالی مطرح نیست.

۲-۳- عدم معافیت دادخوانده از پرداخت هزینه رسیدگی در بدو امر

محرومیت دادخوانده از معافیتی که در پرونده های قضایی در خصوص پرداخت هزینه دادرسی برای او وجود دارد از دیگر آثار سلبی موافقتنامه داوری است به این معنا که در رسیدگی های قضایی خوانده در بدو امر وظیفه ای به پرداخت هزینه دادرسی ندارد در حالی که در داوری، هزینه ها از بدو امر نصف نصف است و دادخوانده نیز موظف است نسبت به پرداخت آن قسمت از هزینه ای که بر عهده اوست اقدام نماید.

۲-۴- محرومیت طرفین از برخی حقوق، اختیارات و توانمندی ها در اثناء رسیدگی

در داوری برخلاف محاکم دادگستری، طرفین از برخی حقوق، اختیارات و توانمندی هایی که متداعیین در اثنای رسیدگی به دعوی در دادگستری از آن برخوردارند بی بهره اند مانند ظرفیت ماده ۲۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی که به تجویز آن دادگاه می تواند سندی را که در یک اداره دولتی است برای بررسی درخواست نماید که چنین ظرفیتی برای داوری متصور نیست.

۲-۵- محرومیت طرفین از برخی ابزار های اجرایی

در رسیدگی از طریق داوری، طرفین از برخی ابزارهای اجرایی مانند آنچه که در قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی برای اجرای احکام قطعی مراجع قضایی مطرح است، محروم می باشند.

اعتبار موافقتنامه داوری

همانطور که گفتیم موافقتنامه داوری نیز چه در معنای اعم و چه در معنای اخص آن یک

قرارداد است و از این جهت لاجرم بایستی قواعد عمومی صحت قراردادها از جمله شرایط ماده ۱۹۰ قانون مدنی را داشته باشد.

توضیح اینکه در موافقتنامه داوری شرایط ماده ۱۹۰ قانون مدنی باز تعریف می شود و در عقد خاصی که از آن تحت عنوان موافقتنامه داوری یاد می کنیم چهره عوض می کند، به طور مثال علیرغم اینکه موضوع معامله قاعداً بایستی معین باشد، در موافقتنامه داوری کفایت به نحوی عمل شود که عرفاً بگویند موضوع معلوم است و به همین میزان که رابطه پایه را تشریح کنیم کفایت نماید. همچنین در مورد اهلیت طرفین که به نظر می رسد بر اساس آنچه که در ماده ۴۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی آمده است منظور صرفاً اهلیت استیفا باشد.

نکته- اشخاص غیررشید نیز می توانند امور غیرمالی خود را به داوری ارجاع دهند و هیچ مانعی برای این امر به نظر نمی رسد.

مقایسه موافقت نامه داوری با چند اصطلاح مشابه

در این بخش به مقایسه موافقتنامه داوری با چند اصطلاح مشابه خواهیم پرداخت که از اهمیت زیادی برخوردار بوده و حاوی مباحثی کاربردی است.

اول- قرارنامه داوری

ماده ۴۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی حکایت از قرارنامه داوری دارد.

قرارنامه داوری متفاوت از موافقتنامه داوری است چراکه:

اولاً- موافقتنامه داوری در بسیاری موارد قبل از بروز اختلاف منعقد می شود در حالی که قرارنامه اصولاً بعد از بروز اختلاف مورد توافق طرفین قرار می گیرد.

ثانیاً- در موافقتنامه داوری بیشتر به تبیین موضوع داوری و توصیف رابطه منشاء پرداخته می شود در حالی که در قرارنامه داوری، اصل موضوع مورد اختلاف را آن طور که در ستون مربوطه در درخواست داوری ذکر می شود، می نویسند و معلوم می کنند.

دوم- درخواست داوری

درخواست داوری، مشابه دادخواستی است که به محاکم داده می شود و در متن آن بایستی خواهان و خوانده یا به عبارتی دادخواه و دادخوانده معرفی شوند، عنوان ادعا و جهات و مبانی استحقاق دادخواه ذکر گردیده و مبانی صلاحیت داور یا داوران نیز به روشنی مورد تصریح قرار گیرد، همین طور خواسته ای که دادخواه از داور دارد در درخواست داوری بیان می شود.

نکته ۱- در درخواست داوری خواسته بایستی دقیقاً مشخص شود مثلاً ننویسیم تقاضای حل و فصل موضوع را داریم بلکه بطور دقیق خواسته خود را از داور ذکر کنیم زیرا در داوری نیز قرار است همانند محکمه به صورت قطعی فصل خصومت شود پس خواسته لزوماً بایستی منجز باشد.

نکته ۲- درخواست داوری مشابه همان دادخواست محاکم است ولی نیازی نیست در فرم خاصی نوشته شده یا تشریفات، تمبر و... را در مورد آن رعایت کنیم.

نکته ۳- میان درخواست داوری و موافقتنامه داوری هیچگونه ارتباطی وجود ندارد اگرچه ممکن است موافقتنامه داوری نیز از همین دادخواست استنتاج شود مانند جایی که قبل از تنظیم موافقتنامه، خواهان درخواست داوری دهد و خوانده هم بدون طرح هیچ ایرادی به داوری پاسخ ماهیتی بدهد و هیچ گونه دفاعی مبنی بر رد صلاحیت مرجع داوری نکند.

سوم- قرارداد تعیین هزینه های داوری

هر یک از اطراف دعوا در داوری بغیر از رابطه پایه که منتهی به اختلاف شده است، حداقل دو رابطه عقدی دیگر نیز دارند، اول رابطه ای که با طرف مقابل دارند که منتهی به تشکیل موافقتنامه داوری شده است و در ثانی رابطه ای که هر یک از طرفین با داور داشته و منجر به تراضی و توافق با داور در خصوص هزینه ها شده است زیرا که داور فی الواقع اجیر طرفین است. در صورت عدم تراضی طرفین با داور در مورد هزینه های داوری، هزینه داوری بر اساس تعرفه مذکور در آیین نامه ابلاغی از ناحیه ریاست قوه قضاییه خواهد بود.

اصول و قواعد حاکم بر داوری

اصول و قواعد حاکم بر داوری شامل شش اصل است که حاوی احکام و قواعد کلی است که برگرفته از محتوای مقررات یا رویه حاکم بر مراجع دادگستری و همین طور از دکتین حقوقی قابل استنباط است:

اول- اصل توافقی بودن داوری

اصل توافقی بودن داوری، اصلی است که هم ناظر بر اصل مراجعه به داوری است، هم ناظر به تعیین حدود مأموریت داوران می باشد، هم ناظر به مدت داوری و تعداد داوران و اوصاف آنها و همین طور قانون حاکم بر داوری اعم از شکلی و ماهیتی است، ضمن اینکه بر زبان، مکان، محل و زمان داوری نیز حاکمیت دارد. بنابراین در داوری حرف اول را توافق طرفین می زند مگر استثنائاً و در موارد خاصی مانند ورشکستگی، اصل نکاح و طلاق، اصل وقفیت و... که اصولاً قابل ارجاع به داوری نیست.

دوم- اصل رسیدگی تناظری

به این معنا که داور بایستی با رعایت اصل تناظر، ادعاهای دادخواه و ادله وی را به اطلاع دادخوانده برساند و متقابلاً پاسخ دادخوانده و ادله و مستندات ابرازی او را نیز به استحضار دادخواه برساند.

در این مورد ابلاغ صحیح لازمه رعایت اصل تناظر است چراکه اصل ابلاغ صحیح فرزند اصل تناظر به حساب می آید.

سوم- قاعده اکثریت

قاعده اکثریت در رابطه با داوری واحد منتفی است و در مورد داوری هیئتی مطرح می گردد که با داوران متعدد روبرو هستیم و بر اساس آن رای اکثریت بر اقلیت حاکم است که قاعده عقلی است.

نکته- مطابق این قاعده معیار کمیتی است و اساساً کیفیت و تجارب علمی داوران اهمیتی ندارد مثلاً تفاوتی نمی کند احدی از داوران استاد تمام دانشگاه تهران باشد یا یک فارغ التحصیل جدید در مقطع لیسانس.

چهارم- قاعده استقلال و بی طرفی

قاعده استقلال و بی طرفی داور به این معنا که رفتار داوران در فرآیند رسیدگی بایستی بی طرفانه باشد پس بی طرفی، ناظر بر رفتارداوران است.

با این توضیح که نمی توان داور را قبل از شروع به رسیدگی متهم به بی طرفی کرد و مدعی شد اصل بی طرفی را زیر پا گذاشته است در حالی که می توان ایراد عدم استقلال را مطرح نمود مثلاً دادخوانده می تواند ایراد کند داور همسر دادخواه و طرف مقابل اوست و از این جهت فاقد استقلال لازم برای رسیدگی است.

پنجم- اصل نسبی بودن داوری

اصل نسبی بودن داوری نیز همانند اصل نسبی بودن دادرسی یا اصل نسبی بودن قراردادهای است به این معنا که آنچه از داوری منتج می گردد نمی تواند به عنوان مستندی له یا علیه اشخاص ثالث قرار گیرد و صرفاً نسبت به طرفین اختلاف قابلیت استناد را دارد.

چنانچه شخصی از صدور رای داوری متضرر شده باشد اصولاً حق دارد از طریق اقامه دعوی حقوق خود را محفوظ دارد با تاکید بر اینکه نهادهایی مانند ورود ثالث و جلب ثالث در اثنای رسیدگی و همین طور اعتراض ثالث پس از صدور رای می تواند ضامن این اصل باشد.

ششم- قاعده فراق داور

بر اساس این قاعده چنانچه داور رسیدگی و اقدام به صدور رای نماید اصل بر این است که دیگر نمی تواند در آن دخل و تصرفی داشته باشد، اگرچه در خصوص تصحیح رای داوری این امر استثنائاً امکان پذیر است.

توضیح اینکه رای داوری می تواند مورد تفسیر، تکمیل و تصحیح قرار گیرد که این امر منصرف از قاعده فراغ می باشد زیرا در ادامه اختیارات اولیه داور است و به معنای دخل و تصرف در رای نیست.

نکته ۱- با اتمام رسیدگی داوران ختم رسیدگی را اعلام می کنند البته چون داوری غیرتشریفاتی است، ختم داوری به صورت رسمی و مانند محاکم طی تصمیم جداگانه ای مطرح نمی گردد مگر در مورد داوری های بین المللی که این امر بسیار رایج است.

نکته ۲- در بحث داوری چیزی تحت عنوان اعاده دادرسی وجود ندارد مگر در رابطه با داوری‌های بین‌المللی که چیزی مشابه این نهاد تحت عنوان بازگشایی رسیدگی پیش‌بینی شده است.

رای داوری

رای داوری باید مستدل و موجه باشد که این بحث در ماده ۴۸۲ قانون آیین دادرسی مدنی به صراحت آمده است.

رای داوری اصولاً بایستی کتبی باشد که این امر از روح مواد قانونی قابل استنباط است مانند جایی که می‌گوید: «نسخه‌ای از رای ابلاغ می‌شود»، پس معلوم است که رای بایستی کتبی باشد تا امکان ابلاغ نسخه‌ای از آن فراهم گردد.

نکته ۱- در مرحله صدور رای اصل بحث محرمانگی بیش از پیش مطرح بوده و بایستی رعایت گردد، به خصوص از جانب داوران اختصاصی در غیر این صورت موجب مسئولیت مدنی آنان می‌گردد ضمن اینکه در صورتی که داوری سازمانی باشد و شرایطی در این رابطه در نظر گرفته شده باشد، موجب مسئولیت انتظامی داور نیز خواهد بود.

نکته ۲- در مواردی که طرفین قرارداد به اختلافی برخورد نمودند و به داوری رجوع و پس از طرح آن در مرجع داوری تعیین تکلیف می‌شود مجدداً نیز امکان رجوع به داوری را در خصوص اختلافات مرتبط با همان قرارداد دارند و به عبارت دیگر به هر میزانی که اختلافی در این خصوص بروز کند می‌توان رسیدگی به آن را از داوران درخواست نمود.

نکته ۳- اگر داور دچار سهو قلم شده باشد امکان تصحیح رای از طریق داور وجود دارد. همچنین در کنار رای تصحیحی، رای تکمیلی و رای تفسیری را نیز داریم، با این توضیح که رای تکمیلی در جایی که داور بخشی از خواسته را از قلم انداخته و نسبت به آن رای نداده است و در بقیه موارد عمدتاً شق تفسیری می‌باشد که در جایی است که رای داور ابهامی داشته و بر اساس آن داور تفسیر و رفع ابهام می‌کند.

اول- محتویات رای داور

محتویات رای داوری شامل مشخصات طرفین، مشخصات دعوی و مرجع رسیدگی‌کننده است.

همچنین معمولاً گردش کاری نیز نوشته می‌شود که بخشی از ارزیابی اظهارات و ادله مدافعان و بخش اجرایی رای است که مبین نحوه اجرا است و اینکه مثلاً چه کسی بایستی چه کاری را انجام دهد، چراکه وقتی مرجع اجرا می‌خواهد رای را اجرا کند، بایستی بداند که در اجرائیه چه چیزهایی را باید ذکر کند.

دوم- اقسام رای داور

رای داوری دارای اقسامی به شرح ذیل است:

۱- قرار

رای داور می‌تواند به صورت قرار باشد که منظور از آن همان تعریفی است که در مورد قرارهای صادره از محاکم مطرح است.

نکته- چنانچه قرار رد صادر شده باشد، در صورت بقای مدت داوری، طرفین می‌توانند تجدید درخواست کنند مگر اینکه قرار سقوط دعوی صادر شده باشد.

۲- حکم

همچنین رای داوری می‌تواند به صورت حکم باشد که به دو شکل صادر می‌گردد:

۲-۱- حکم در ماهیت

حکم در ماهیت که دلالت بر فصل خصومت دارد.

۲-۲- حکم سازشی

حکم سازشی حاصل توافق داوران بر مبنای وکالتی است که از ناحیه اطراف اختلاف دارند. حکم سازشی را نباید با گزارش اصلاحی اشتباه گرفت زیرا در رای یا حکم سازشی، این داوران هستند که با یکدیگر مواجه بوده و توافق می‌کنند.

۳- گزارش اصلاحی

گزارش اصلاحی رای است که بر مبنای توافق طرفین اختلاف از ناحیه مرجع داوری صادر می‌شود.

بنابراین چنانکه بیان شد گزارش اصلاحی متفاوت از حکم سازشی است چراکه در گزارش اصلاحی طرفین صلح و سازش می‌کنند در حالی که در حکم سازشی طرفین با یکدیگر توافق می‌کنند تا موضوع را با وکالتی که به داوران داده می‌شود و بر اساس آنچه مورد توافق داوران با یکدیگر قرار می‌گیرد حل و فصل نماید که اثر بسیار مهم آن در اینجا است که در صورت ناعادلانه بودن چنین حکمی دیگر نمی‌تواند محل ایراد و مورد اعتراض طرفین اختلاف قرار گیرد.

ابلاغ رای داوری

داور پس از صدور رای مکلف به ابلاغ رای صادره است و ماموریت وی با ابلاغ آن است که خاتمه پیدا می‌کند.

با این توضیح که ابلاغ هم از هر جهت ابلاغ قضایی است، به این معنا که بایستی از طریق مراجع دادگستری صورت گیرد، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده و طریق خاصی را برای ابلاغ رای پیش‌بینی نموده باشند.

نکته ۱- ابلاغ رای داوری مطابق آنچه در ماده ۴۸۵ قانون آیین دادرسی مدنی آمده است فقط می‌تواند توسط داور به مرجع قضائی داده شود.

نکته ۲- آراء تصحیحی، تکمیلی و تفسیری نیز بایستی مورد ابلاغ واقع شده و قواعد ابلاغ در خصوص آن نیز حاکمیت دارد.

اعتراض به رای داوری

اعتراض به رای داوری می تواند به طرق ذیل صورت گیرد:

اول- اعتراض از طرق فوق العاده

برخلاف آنچه در رابطه با قطعیت آراء داوری گفته می شود، می توان ادعا نمود که آراء داوری نیز همانند آنچه که در مورد آراء صادره از ناحیه سازمان تعزیرات، هیئت های حل اختلاف کارگری و هیئت های حل اختلاف تامین اجتماعی و غیره وجود دارد، قابلیت اعتراض نسبت به آن نیز مطرح است در غیر این صورت چرا قانونگذار آن را قابل اعتراض دانسته است!

درست است که رای داوری قطعی است و لازم الاجراست و اصل هم بر این است که بایستی اجرا شود اما باید دانست که مطابق آنچه در قانون آیین دادرسی مدنی آمده است، طرق اعتراض به آراء دو گونه است، طرق عادی و طرق فوق العاده که در مورد طرق عادی اصل بر این است که همیشه در دسترسند و اثر تعلیقی دارند یعنی صرف اعتراض مانع اجرای رای است در حالی که در طرق فوق العاده این چنین نیست و اعتراض به داوری نیز از همین شق اخیر محسوب می گردد.

پس در خصوص داوری نیز طرق فوق العاده اعتراض به آراء وجود دارد و اگرچه رای داوری قطعی است و اعتراض نسبت به آن اثر تعلیقی ندارد اما به هر طریق رای قابلیت اعتراض را از طرق فوق العاده خواهد داشت.

دوم- اعتراض از طریق ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی

اعتراض به رای داوری از طریق ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی حکایت از درخواست اعلام بطلان رای داور را دارد که اثرات مهمی برای آن وجود دارد و چنین رای قابلیت اجرایی ندارد مثل مواردی که رای داور در مخالفت با قوانین موجد حق باشد یا اینکه رای داور با آنچه در دفتر املاک یا در دفتر اسناد رسمی میان اصحاب دعوا ثبت شده و دارای اعتبار قانونی است در مخالفت باشد.

همین طور در مواقعی که برابر ماده بند ۶ ماده ۴۸۹ داوران مجاز به صدور رای نبوده باشند و یا در مواردی که مطابق بند ۷ ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی مواردی به داوری ارجاع شده باشد که قانوناً قابلیت طرح در داوری را نداشته همچون ورشکستگی، اصل نکاح و طلاق و...

نکته- رای داور به هر دلیلی که باطل باشد مرجع بعدی رسیدگی برابر ماده ۴۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه خواهد بود زیرا اعمال داوری یک استثناء بر اصل صلاحیت عام محاکم دادگستری در رسیدگی به تظلمات است.

سوم- رد رای داور توسط طرفین

طرفین اختلاف می توانند مشترکان رای داور را هرچقدر هم که صحیح باشد، رد کنند و دعوی خود را مجدداً در دادگاه مطرح نمایند.

هزینه های داوری

در خصوص هزینه های مربوط به داوری دو بحث مطرح است:

اول- تسهیم هزینه ها میان طرفین دعوی

در مورد تسهیم هزینه پرداختی طرفین بابت داوری، اگر طرفین در مورد هزینه ها توافقی کرده باشند طبق توافق حاصله عمل می شود و در غیر این صورت تسهیم هزینه ها میان اطراف دعوا بر اساس آنچه در ماده ۴۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی آمده است بالمناصفه بر عهده ایشان خواهد بود.

دوم- تسهیم هزینه ها میان داوران

ظاهر بر این است که وقتی تعدد داوران را داریم، تعدد دستمزدها را هم داریم حال آن که در مقام عمل این چنین نیست و طرفین آنچه را که پرداخت می کنند بین داوران تقسیم خواهد شد مگر اینکه در قرارداد به گونه دیگری تعیین تکلیف شده باشد.

اجرای رای داوری

پس از صدور رای داوری اگر طرفین طوعاً راضی به اجرا نگردند نوبت به اجرای اجباری می رسد توضیح اینکه رای داوری قابلیت اجراء توسط اجرای احکام دادگستری را دارد ضمن این که در مواردی خاص هم چون داوری موضوع قانون بورس اوراق بهادار، دوایر اجرای ثبت نیز توسط مقنن مکلف به اجرای آراء داوری شده اند که تنها در حدود نص قابل تفسیر می باشند.

در این مورد محکوم علیه رای داوری بایستی مطابق قانون آیین دادرسی مدنی ظرف بیست روز پس از ابلاغ نسبت به اجرای آن اقدام کند در غیر این صورت و پس از صدور اجراییه و ابلاغ آن از ناحیه محکمه، ده روز زمان برای اجرا دارد.

نکته- برای تقاضای صدور اجرائیه دادبرده یا آنکه رای به نفع او صادر شده است باید به دادگاه درخواست بدهد.



«مطالب این نوشتار برگرفته از مجموعه در دست تالیف مدرس در همین زمینه است»